

مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان میرزاده‌ی عشقی

محمد رضا علم،* مینا رئیسی**

چکیده

عصر مشروطه بدون تردید نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است. در این عصر، جامعه ایرانی در ابعاد مختلف دستخوش دگرگونی‌هایی شد. در عرصه هویتی نیز تغییراتی در عناصر هویت بخش ایرانی بوجود آمد. زبان و ادبیات فارسی به مانند ادوار پیشین، نقش مهمی در بازسازی و تعمق بخشی به هویت ملی ایرانیان در تاریخ معاصر داشته است. مقاله حاضر درصدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی را در دیوان میرزاده‌ی عشقی مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور، مؤلفه‌های هویت ملی شامل ارزش‌های ملی، ارزش‌های دینی و فرهنگ غربی با بهره‌مندی از متغیرهایی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد میرزاده‌ی عشقی در دیوان خود، توجه ویژه‌ای به شاخصه‌ها و عناصر هویت‌بخش ایرانیان داشته است. به‌رغم دگرگونی‌های بوجود آمده در عناصر هویت‌بخش ایرانیان در عصر مشروطه، ارزش‌های ملی جایگاه خویش را حفظ کرده است. واژه‌های کلیدی: هویت، هویت ملی، مشروطه، میرزاده‌ی عشقی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه چمران اهواز. (mralam36@yahoo.com)

** کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه چمران اهواز. (mnrs101@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۴ - تاریخ تایید: ۹۲/۰۵/۱۴

طرح مساله

جنبش مشروطه‌خواهی ایران در اوایل سده بیستم میلادی، ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را در معرض دگرگونی و نوسازی قرار داد. این نهضت ضد استبدادی و استعماری، جهشی فکری و جنبشی اجتماعی، که در عمق اندیشه و افکار سخنوران و روشنفکران این عصر اثر کرد، به وجود آورد و آنان را به سوی تلاش برای ایجاد یک تحول اجتماعی رهنمون شد؛ از جمله به ادبیات و شعر دوره مشروطه سبک و شیوه خاصی بخشید. بنابراین، شعرا که یکی از مهم‌ترین اقشار روشنفکر جامعه عصر مشروطه بودند با به کارگیری برخی از مؤلفه‌های هویت ملی در درون‌مایه اشعار خویش، درصدد کمک به پیشبرد اهداف انقلاب مشروطه برآمدند.

در واقع از آغاز نهضت مشروطه، شعر و ادب تا حد زیادی به سوی موضوعات ملی و میهنی گرائید و مسائل مربوط به سرنوشت افراد ملت، حمایت از تمامیت ارضی کشور، مبارزه با نفوذ بیگانگان و مخالفت با استبداد مورد توجه شاعران و موضوع اشعار آنان قرار گرفت، که به نوبه خود سهمی بسزا در تحولات قرن اخیر و بیداری و رواج نهضت‌های ملی و میهنی ایفا کرد. شعرای این عصر با به‌کارگیری شعر، ادبیات و زبان به مثابه ابزاری بسیار تاثیرگذار در احیاء هویت ملی و تاریخی ایران کوشیدند تا از این طریق، رسالت تاریخی خود را در تکوین هویت ملی ایران به انجام برسانند. نظر به اهمیت مفهوم هویت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در هویت‌یابی، معناشناسی و سطوح مختلف آن و همچنین جایگاه عصر مشروطه در سیر تکوین هویت ایرانی، مسأله اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه هویت ملی در دیوان میرزاده عشقی می‌باشد.

از جمله مهم‌ترین شاعران عصر مشروطه که از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی در جهت ایجاد انگیزه و مبارزه در توده‌ی مردم برای تحقق حاکمیت ملی بهره گرفته است،^۱ میرزاده عشقی است. میرمحمدرضا متخلص به عشقی، فرزند حاج سعید ابوالقاسم کردستانی در ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۱۲ در همدان متولد شد.^۲ عشقی از دوران کودکی در

۱. چند سالی از سال‌های آخر عمر عشقی در دوره پس از ۱۳۰۰ش در دوره گذار از مشروطه به عصر رضا شاهی سپری شده است، ولی بهتر است که به شیوه مرسوم در کتاب‌های تاریخ ادبیات معاصر، او را از چهره‌های عصر مشروطه بشمار آوریم.

۲. علی‌اکبر سلیمی، (۱۳۱۴)، دیوان عشقی و شرح حال او، تهران: فرهمند و اقبال علمی، ص ۵؛ محمدعلی سپانلو، (۱۳۶۹)، چهار شاعر آزادی، تهران: نگاه، ص ۱۶.

تهران اقامت داشت و در مدارس فرانسوی زبان آن روزگار فرانسه را فراگرفت. وی مدتی نیز در ترکیه ساکن بود و از طریق فضای فرهنگی و علمی آن کشور با ادبیات جدید ترکیه و اروپا آشنا شد. عمر کوتاه عشقی عمدتاً صرف روزنامه‌نگاری، کشمکش‌ها و ماجراهای سیاسی، اجتماعی و مبارزه در راه آزادی شد. وی در ۱۳۰۳ ش / ۱۳۴۲ ق به ضرب گلوله عوامل حکومت پهلوی اول به قتل رسید.^۱

چارچوب مفهومی

صاحب‌نظران برداشت‌های متفاوتی از هویت و ابعاد مختلف آن دارند و نظریه‌های مختلفی نیز درباره مؤلفه‌ی چیستی هویت ملی، عناصر، تداوم یا تحول آن وجود دارد. از منظر جامعه‌شناسی، هویت ملی دارای ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و ادبی است. بعد اجتماعی هویت ملی ناظر بر احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع ملی است. بعد تاریخی بر خاطرات، رخدادها، شخصیت‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخی و بعد جغرافیایی، بر قلمرو سرزمینی مشخص نظر دارد. بعد سیاسی هویت ملی، تعلق به نظام واحد سیاسی و ارزش‌های مشروعیت‌بخش به دولت ملی است و بعد دینی هویت، مقایسه مذهبی مشترک وفاداری و اعتقاد به آئین‌های آن است. ابعاد فرهنگی و ادبی نیز ناظر بر سنت‌ها، اسطوره‌ها، فولکلور، هنر، معماری، زبان و ادبیات ملی است.^۲

میرمحمدی، هویت ملی را «فرآیند پاسخگوئی آگاهانه یک ملت به پرسش‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه‌ی تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح هر کشور، به عنوان واحد سیاسی»^۳ می‌داند. یوسفی می‌نویسد: «هویت ملی به معنای احساس وابستگی و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف‌شده‌ی سیاسی می‌باشد و بهترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسائی و تمایز هویت از یکدیگر می‌گردند:

۱. مسعود جعفری، (۱۳۸۶)، سیر رماتنیسم در ایران، تهران: مرکز، ص ۹۷.

۲. حسین گودرزی، (۱۳۸۴)، گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: تمدن ایرانی، ص ۱۱۳.

۳. داوود میرمحمدی، (۱۳۸۳)، هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی، ص ۳۲۱.

سرزمین، دین، آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت است که در درون یک اجتماع ملی میزان وابستگی و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، شدت احساس و هویت ملی آنها را مشخص می‌سازد.^۱ همچنین محققان برای تفکیک هویت ملی از سایر هویت‌ها، عناصر چندی را برمی‌شمارند، میلر این عناصر را عبارت می‌داند از:

۱. تعلق خاطر و باور جمعی و مشترک ملت‌ها به وطن، به یکدیگر، و تعهد متقابل در مقابل هم.

۲. داشتن تاریخ و قدمت تاریخی.

۳. داشتن هویت فعال.

۴. پیوند و وابستگی مردم به مکان جغرافیائی خاص.^۲

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این دیدگاه‌ها تعلق خاطر به وطن، قدمت تاریخی و مکان جغرافیایی واحد مورد تاکید است و از دیدگاه اکثر صاحب نظران مؤلفه‌های اصلی هویت ملی به‌شمار می‌آیند. اسمیت در کتاب *ناسیونالیسم* خود با کاربست نظریه (تداوم و تغییر) خود درباره‌ی هویت ملی چنین اظهار نظر می‌کند که هویت‌های فرهنگی جمعی تا حدودی ثابت و ایستا هستند، درحالی‌که، با ساخت‌های طولانی و با قدمت سروکار داریم ولی این‌ها اصول یا کلیات ثابت و جاودانی هستند و تغییر آن آهسته و در زمان طولانی بوده که در درون پارامترهای روشنی عمل می‌کند که فرهنگ و سنت‌های دیگر آن ملت اجازه آن تغییرات را می‌دهد. اسمیت هویت ملی را متضمن میزانی از ثبات و همانندی در طول زمان می‌داند که تغییر آن فقط در درون مرزبندی خاص و به دور از هرگونه تغییر و به صورت بطئی می‌تواند اتفاق بیفتد.^۳

با توجه به توضیحاتی که آمد، تعریف نویسندگان مقاله از هویت ملی، منطبق بر دیدگاه (اسمیت) در مورد هویت ملی است که آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «بازتولید دائمی

۱. علی یوسفی، (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران» فصلنامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۸، ص ۱۷.

۲. دیوید میلر، (۱۳۸۳)، ملیت، ترجمه داوود عزایاق زند، تهران: موسسه مطالعات ملی، ص ۲۹.

۳. آنتونی. دی اسمیت، (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)*، ترجمه منصور انصاری، تهران: موسسه مطالعات ملی، ص ۲۳.

ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها، نسبت‌هایی که میراث متمایز ملت را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی‌اش»^۱. بنابراین با کاربست نگرش (تداوم و تغییر) اسمیت در مورد هویت ملی ایران، می‌توان چنین نتیجه گرفت، که هویت ملی ایران ضمن حفظ اصول سنت‌ها و فرهنگ باستانی و ملی-تاریخی خود، در دو نقطه عطف تاریخی، عناصر جدیدی را به درون هویت ملی خود پذیرفته است. اولین نقطه عطف، پذیرش خودآگاهانه اسلام به عنوان جایگزین دین زرتشتی است، که از آن پس اسلام، جزو عناصر هویت ملی ایران شد. نقطه عطف دوم، پذیرش اندیشه‌ی سبک حکومت دموکراتیک و مشروطه و نظام سیاسی مدرن به عنوان جایگزین نظام موروثی پادشاهی بود. بنابراین هویت ملی ایران، ضمن حفظ اصول تاریخی، فرهنگی و باستانی خود، دو رکن هویتی اسلام و تجدد را به عنوان ارکان هویت ملی، به صورت خودآگاهانه پذیرفته است، که نشانه ثبات هویتی در عین تحول خودآگاهانه است.

به‌رغم آن‌که محققانی مانند مسکوب، زبان را مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی می‌داند،^۲ زرین‌کوب و ستاری، فرهنگ را مؤلفه‌ی مهم هویت ملی دانسته‌اند،^۳ احمدی، تاریخ را عمده‌ترین عنصر هویت ملی برشمرده است.^۴ آشوری، هویت باستانی را عنصر اصلی؛ اما در مجموع فرهنگ ملی باستانی ایران، و فرهنگ اسلامی را همراه با فرهنگ غربی و معاصر را عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی می‌داند.^۵ دیدگاهی دیگر نیز وجود دارد که منابع و عناصر سازنده هویت ملی را سه رکن: ۱- فرهنگ باستانی و ملی ایران ۲- فرهنگ اسلامی ۳- فرهنگ غربی و معاصر می‌داند.^۶ اگر چه در میان سهم، وزن، اجزاء و ویژگی‌های هر یک، یا تقدم و تأخری که به آنها می‌دهند، میان این طرح‌ها تفاوت وجود دارد، اما تعارضی میان آنها نیست و همگی بر سه لایه ایرانی، هویت باستانی، هویت

۱. همان، ص ۳۰.

۲. شاهرخ مسکوب، (۱۳۷۳)، *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: باغ آئینه، ص ۲۲؛ عبدالحسین زرین کوب، (۱۳۷۶)، «ایران در کشاکش ایام حکایت همچنان باقی ست»، سخن، ش ۱، ص ۳۸۹.

۳. جلال ستاری، (۱۳۸۰)، *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران: نی، ص ۹۴.

۴. حمید احمدی، (۱۳۸۳)، *ایران (هویت، ملیت، قومیت)*، تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی، ص ۱۸۹.

۵. داریوش آشوری، (۱۳۸۷)، *ما و مدرنیت*، تهران: صراط، ص ۲۴۵.

۶. *ایران (هویت، ملیت، قومیت)*، صص ۱۲۰-۱۱۴.

اسلامی و هویت متجدد تاکید دارند.^۱ بر این اساس با بهره‌گیری از تعاریف هویت و نقش عناصر مختلف در تکوین هویت ملی، می‌توان چارچوب مفهومی زیر را برای میزان بسامد مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان میرزاده عشقی به دست داد:

۱. فرهنگ و ارزش‌های باستانی ملی: با متغیرهایی نظیر زبان فارسی، مردم ایران، سرزمین و جغرافیای ایران، نژاد و قومیت ایرانی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، معماری، هنر، تاریخ، ادبیات، میراث اندیشه‌ورزی، میراث عینی فرهنگی، تاریخ و تمدن و جغرافیای ایران (عنصر سرزمین).

۲. ارزش‌های دینی - مذهبی: با متغیرهای مبانی اعتقادی (توحید، نبوت، معاد)، مناسک دینی - مذهبی، اماکن دینی - مذهبی، ارزش‌ها و نمودهای شیعی، پیامبران و بزرگان دینی - مذهبی، پیامبران الهی و امامان، قرآن و روایات.

۳. فرهنگ غرب: منظور از آن، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که در قرن بیستم، به‌ویژه پس از مشروطیت وارد فرهنگ جامعه ایران شده است. متغیرهای ناسیونالیسم، مشروطه، تفکیک‌قوا، مجلس، انتخابات و احزاب، دموکراسی، بروکراسی مدرن، طبقات اجتماعی و سایر ارزش‌های فرهنگ غرب، مشروطه، وجود تجدد و بیداری ملی و جز این‌ها، برای سنجش این مؤلفه در نظر گرفته شده است.

کندوکاو در روند تکوین و تکامل هویت ایرانی، صبغی تاریخی و استمرار آن را روشن می‌کند و پژوهشگران بسیاری جنبه‌ی تداوم و تغییر هویت ملی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، ریچارد کاتم آگاهی ملی ایران را به قرن‌های قبل و عصر هخامنشی دانسته است.^۲ با ورود اعراب مسلمان به ایران، ایرانیان توانستند در سایه جنبش‌های علمی - فرهنگی با اتکا بر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در قرن سوم و چهارم هجری، بار دیگر هویت ایرانی را زنده کنند؛ اما این هویت بیشتر فرهنگی و علمی بود تا سیاسی، چرا که ایران هنوز بخشی از قلمرو خلافت عباسی محسوب می‌شد.^۳ مفهوم سیاسی ایران در معنای سرزمین یکپارچه و واحد، پس از نه قرن یعنی در زمان صفویان، تحقق پیدا کرد؛ به این

۱. حسین کجوییان، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نی، ص ۲۵۵.

۲. ریچارد کاتم، (۱۳۷۸)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: نی، ص ۲۷.

۳. ذبیح‌الله صفا، (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۱، تهران: فردوس، صص ۱۶-۱۱؛ تولریش مارزولف، (۱۳۸۰)، *شاهنامه و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۳۰؛ حسینعلی ممتحن، (۱۳۷۰)، *نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی*، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ص ۲۵۶.

صورت که تشیع موجب نوعی تعلق ملی، وحدت سیاسی و تمایز از امپراطوری‌های سنی در همسایگی ایران شد.^۱

با شروع انقلاب مشروطه و تحول ساختار سیاسی و فکری مردم، مفهوم وطن و ملت وارد کلام سیاسی شده و رواج یافت و هویت ایرانی به مفهوم هویت ملی تکامل پیدا کرد؛ تلاش‌های جامعه ایرانی برای تشکیل دولتی بر پایه خودآگاهی ایرانیان تکامل پیدا کرد. در این میان، شعرای عصر مشروطه از عناصر هویت بخش ایرانی در جهت انگیزش توده مردم و همگرایی ایرانیان در جریان انقلاب مشروطه بهره گرفتند.^۲ مقاله حاضر بر آن است تا میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی را در دیوان میرزاده عشقی بررسی و تدوین نماید.

پیشینه تحقیق

شعر و ادب مشروطه تاکنون از جنبه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران و محققان مورد بررسی قرار گرفته است، اما تاکنون پژوهشی مستقل به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان میرزاده عشقی، به عنوان یکی از شعرای این عصر، اختصاص داده نشده است. آجودانی در اثر خود، یا مرگ یا تجدد، به جنبه ناسیونالیسم و نوآوری‌های ادبی در اشعار میرزاده عشقی پرداخته است.^۳ آرتین پور نیز به شرح حال، اشعار وطنی، نوآوری‌های ادبی و سروده‌های ملی و میهنی این شاعر پرداخته است.^۴

شفیعی کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی به اشعار وطنی و بررسی و تحولات در درونمایه و نوآوری‌های عشقی پرداخته است.^۵ سپانلو نیز اشعار ملی و میهنی او را مورد

۱. جان فوران، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ص ۴۴؛ محمدرضا حافظ‌نیا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت، ص ۶۷.

۲. ما و مدرنیته، ص ۱۸۷؛ جواد طباطبائی، (۱۳۸۴)، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران، تهران: رمز، ص ۱۲۱.

۳. ماشاالله آجودانی، (۱۳۸۵)، یا مرگ یا تجدد: دفتیری در شعر و ادب مشروطه، تهران: اختران، صص ۲۰۰-۱۷۳؛ یحیی آرتین پور، (۱۳۸۲)، از صبا تا نیما، تهران، ج ۲، تهران: زوار، صص ۳۹۴-۳۶۱.

۴. از صبا تا نیما، صص ۳۹۴-۳۶۱؛ عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت (۱۳۷۷)، تهران: علم، صص ۱۰۶-۵۶.

۵. محمدرضا شفیعی کدکنی، (۱۳۵۹)، ادوار شعر فارسی، تهران: قومس، صص ۶۵-۳۰.

توجه قرار داده است.^۱ جعفری نیز جنبه‌ی رمانتیک شعر عشقی را مورد بررسی قرار داده است.^۲ پژوهش حاضر، ضمن توجه به دستاوردهای پژوهش‌های یاد شده و با استفاده از آنها، می‌کوشد بسامد مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان را در دیوان میرزاده عشقی مشخص کند.

روش پژوهش

روش پژوهش به کار رفته در مقاله‌ی حاضر، مبتنی بر روش کمی و تحلیل محتواست. در دهه‌ی اخیر، روش تحلیل محتوا در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی به کار گرفته شده است. در این روش، پژوهشگر می‌کوشد با قرار دادن اجزای یک متن یا کلمه‌ها، جمله‌ها و مانند آن، در تعدادی مقوله‌ی از پیش تعیین شده، نتیجه‌ی تحلیل را معین کند.^۳ در این پژوهش، مؤلفه‌های هویت ملی، بر پایه منابع هویت بخش ایرانی، در چهار بخش یاد شده با در نظر گرفتن متغیرهای مذکور، سازمان‌دهی شده و پس از آن به پردازش داده‌های جمع‌آوری شده خواهیم پرداخت. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر ۱۸۲۹ بیت دیوان میرزاده عشقی است. به‌طور متوسط هر بیت از ۱۲ کلمه تشکیل شده که بدون احتساب حروف اضافه مانند «بر»، «در» و... تعداد کلمات دارای بار معنایی در دیوان میرزاده عشقی ۲۱۹۴۸ کلمه است. فراوانی جدول‌ها از این تعداد کلمات گرفته شده است. درصدها نیز از حاصل ضرب فراوانی ضرب در ۱۰۰ تقسیم بر ۲۱۹۴۸ که تعداد کلمات است بدست آمده است.

یافته‌های تحقیق

در بررسی دیوان میرزاده عشقی، چهار مقوله‌ی فرهنگ و ارزش‌های ملی باستانی، فرهنگ و ارزش‌های ملی پس از اسلام، ارزش‌های دینی مذهبی و ارزش‌های فرهنگ غرب مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این بررسی با تعیین میزان فراوانی متغیرها و احتساب درصد مربوط به آن در جدول ارائه شده است. به منظور پای‌بندی به ملزومات

۱. چهار شاعر آزادی، صص ۲۰۰-۱۴۷.

۲. سیر رمانتیسم در ایران، صص ۱۴۴-۸۷.

۳. ال. آر. هولستیف، (۱۳۸۰)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۳.

مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان میرزاده‌ی عشقی ۶۱

یافته‌های تحلیل محتوا، از تحلیل کیفی داده‌ها کمتر سخن به میان آمده است و تنها نمونه‌هایی از اشعار عشقی را که در برگزیده متغیرهای مورد نظر مؤلفه‌های هویت بخش ایرانی بوده ذکر شده است.

۱. توزیع فراوانی شاخصه‌های باستانی و ملی

برای تحلیل و بررسی مؤلفه‌های باستانی و ملی در دیوان میرزاده‌ی عشقی از متغیرهای مؤلفه‌های مذهبی در ایران باستان، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، میراث فرهنگی، تاریخ و تمدن و جغرافیای ایران (عنصر سرزمین) استفاده شده است.

جدول ۱- فراوانی شاخصه‌های باستانی

شاخصه	فراوانی	درصد
مؤلفه‌های مذهبی	۱۹	۰/۰۸۶
تاریخ و تمدن	۶۳	۰/۲۸۷
نمادهای ملی و میراث فرهنگی	۵۰	۰/۲۲۷
مفاهیم سرزمینی	۱۵	۰/۰۶۸
جمع	۱۴۷	۰/۶۶۹

فراوانی جدول ۱ نشان می‌دهد که در ۰/۶۶۹ از کلمات و واژه‌های دیوان میرزاده عشقی، مؤلفه‌های باستانی هویت ایرانی حضور دارد. در این میان توجه به عناصر تاریخی، تمدنی، نمادهای ملی و میراث فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار بوده، چنان‌که این عناصر به ترتیب با فراوانی ۰/۲۸۷ و ۰/۲۲۷، نسبت به سایر شاخصه‌ها برجستگی بیشتری دارند. در ابیات ذیل شاخصه‌های باستانی هویت ایرانی به خوبی نمایان شده است. شاعر که شرایط نابسامان ایران عصر خود و ذلت و زبونی آن را می‌بیند، در مقام مقایسه‌ی آن با وضعیت اقتدار و سرافرازی ایران در دوره هخامنشی بر می‌آید و با تأثر و اندوه از آن یاد می‌کند:

کنم ار درد دل از تربت اهخامنشی
آبروی و شرف و عزت ایران قدیم
از لحد بر سر آن سلسله خون می‌ریزد
نکبت و ذلت ایران کنون می‌ریزد^۱

در جای دیگر شاعر که به دیدار خرابه‌های مدائن رفته است، این خرابه‌ها را گواه قدمت تاریخ ایران دانسته، که نتیجه علم و دانش و اقتدار ایرانیان عصر ساسانی است و دلیل ویرانی آن و نابسامانی ایران دوره‌ی خود را، جهل و بی‌خبری ایرانیان این عصر دانسته و از این مولفه‌های هویت ملی، تاریخی و تمدنی برای بیان مطالب خود استفاده کرده است:

این بود گهواره ساسانیان بنگه تاریخی ایرانیان
قدرت و علمش چنان آباد کرد ضعف و جهلش همچین بر باد کرد^۱

در مورد دیگر، شاعر ایرانیان عصر خود را از نژاد پادشاهان ایران باستان دانسته که با توجه به اهمیت فراوان نژاد و قومیت در هویت بخشی به افراد، و ایجاد انسجام ملی و تمایز میان ملت‌ها، از مولفه‌های مهم هویت ملی به شمار می‌رود:

اجداد من از تاجوران کی و ساسان ریزند بر خاک غم از ماتم ایران^۲
همچنین، وی با اشاره به مرزهای جغرافیائی که از مولفه‌های هویت ملی بشمار می‌روند، به زیبایی از وسعت جغرافیائی سرزمین ایران در دوره داریوش هخامنشی و در مقابل گرفتاری ایران عصر خود در چنگ بیگانگان و کاهش وسعت آن، از زبان داریوش بیان می‌کند:

چین به رمم بود مسخر چو بمردم نصف کره خاکی بر اسلاف سپردم
کنون رفته به غارت، گرفتار اسارت
حیف از این جهانگیر اقلیم لیک نمانده از صد یکیش نیم^۳

در بیتی دیگر به همین مضمون می‌گوید:

در خور تاج سرت از همه جا باج رسید سر برآور چه بین بر سر آن تاج رسید^۴
در جای دیگر با اشاره به قهرمان افسانه‌ای ایران باستان؛ کاوه، به عنوان یک اسطوره ملی، خواستار عمل‌گرائی ایرانیان عصر خود برای رهایی از مشکلات است.
کم گو که کاوه کیست، تو خود فکر خود نما با نام مرده مملکت احیاء نمی‌شود^۵

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۵.

۴. همان، ص ۸۰.

۵. همان، ص ۲۳.

شاعر از مفاهیم دینی و مذهبی ایران باستان که از مولفه‌های هویت ملی به حساب می‌آیند، نیز در چندین مورد سخن به میان می‌آورد و از این طریق برای نمونه، در شعر زیر دلایل ضعف و زبونی ایران عصر خود را از زبان زرتشت پیامبر ایران باستان بیان می‌کند:

من روان پاک زرتشتم که بستودید هان پیش آهنگ همه دستوریان و موبدان
کارنیک و گفت نیک و دل پاک، این نداد گوش ایرانی به بدبختی امروز فتاد^۱
در بیت زیر نیز شاعر از مفاهیم مذهبی ایران باستان سخن به میان آورده:

شد ویرانه نشین آن ملک این انصاف است سرد شد آتش آتشکده آوخ آوخ^۲
همچنین شاعر از مفاهیم فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران باستان سخن می‌گوید و خود را احیاء کننده‌ی فرهنگ و تمدن ایران باستان می‌داند و با اشاره به قدمت فرهنگی و تمدنی وطن خود، سعی خود را احیای این فرهنگ بیان می‌کند:

از نقش طبع خویش، در این مملکت ز نو تجدید عهد نقشه ارژنگ می‌کنم^۳

۲. توزیع فراوانی شاخصه‌های ارزش‌های فرهنگی و ملی بعد از اسلام
برای بررسی مؤلفه‌های فرهنگی و ملی ایران پس از اسلام در دیوان میرزاده عشقی، از متغیرهای نژاد و قومیت، تاریخ و تمدن، جغرافیای ایران و... استفاده شده است.

جدول ۲- فراوانی شاخصه‌های فرهنگی و ملی بعد از اسلام

شاخصه	فراوانی	درصد
نژاد و قومیت	۱۶۷	۰/۷۶۰
تاریخ و تمدن	۶۷	۰/۳۰۵
جغرافیای ایران	۱۱۸	۰/۵۳۷
جمع	۳۵۲	۱/۶۰۳

فراوانی جدول ۲ نشان می‌دهد ۱/۶۰۳ از کلمات و واژه‌های دیوان میرزاده عشقی در مورد مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی بکار رفته است که در این میان، عنصر نژاد و قومیت با

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۸۰.

۷۶۰/۰ دارای اهمیت بیشتری است. شاعر از عشق خود به ایران بارها در اشعار خود سخن گفته و نگرانی خود را از وضعیت نابسامان کشورش بیان کرده است: گنهارم که انسانم؟ ز جان عاشق به ایرانم؟ و یا دائم پریشانم ز اوضاع پریشانش^۱ شاعر آنجا که با ایجاد جمهوری توسط رضاخان مخالفت می‌ورزد، قصد رضاخان را غصب سلطنت می‌داند و با ذکر یک نمونه دیگر در تاریخ ایران، منظور خود را بیان می‌کند، بنابراین رضاخان را با نادرشاه افشار که قدرت را از صفویان به خود منتقل کرد؛ مقایسه می‌کند و به مولفه‌های هویت ملی، در زمینه تاریخ و تمدن اشاره می‌کند: او می‌خواهد نشیند جای قاجار همان طوری که کرد آن مرد افشار^۲ در جای دیگر شاعر با اشاره به یک مورد تاریخی دیگر مربوط به مولفه‌های هویت ملی، ظلم و ستم دوره مغول را بهتر از عصر خویش می‌داند و با این مقایسه قصد دارد شدت نابسامانی وضعیت ایران عصر خویش را به مخاطب منتقل کند: خوشایام چنگیزی و آن اوضاع خونریزی که بد خونریزی‌گر شیوه، خونریزی بد عنوانش^۳ در ابیات زیر، شاعر از مفاخر ادبی و فرهنگی ایران در گذشته که جز مولفه‌های هویت ملی می‌باشند، یاد می‌کند و خود را مانند سعدی، ایرانی و پرورده خاک ایران و وطنش را چون مادر خویش می‌داند و به تداوم فرهنگی اشاره می‌کند: قآنیام نه من که زخم خامه بهر آز نی چامه ساز بهر درم همچو عنصری^۴ و: مرا آن مهد پرورد که آن پرورده سعدی را من آن پستان مکیدم کو مکیده شیر پستانش^۵ در موارد بسیاری از سروده‌های میرزاده عشقی توجه به عنصر سرزمین، به عنوان مولفه‌ی هویت ملی، به چشم می‌خورد و نام شهرها و مکان‌های جغرافیائی آورده شده است: انزلی تا بلخ و بم را اشک من گل کرده است غسل بر نعش وطن، خونابه دل کرده است^۶

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۱۰۷.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. همان، ص ۱۰۹.

در ابیات زیر نیز، حضور عناصر فرهنگی، تاریخی و تمدنی هویت بخش ایرانی تبلور یافته است و شاعر در بیت زیر با اشاره به داستان لیلی و مجنون، به مولفه‌های ادبی و فرهنگی هویت ملی اشاره می‌کند:

مجنون منم در غم «لیلی» میهنم گریم، چنان‌که، آب دل سنگ کنم^۱
عشقی در بیت زیر، به آداب و رسوم و فرهنگ که از مولفه‌های هویت ملی و نشانه‌ی یکپارچگی یک ملت است استفاده و به نوع پوشش ایرانیان اشاره می‌کند:

هشتی عمامه و کلاه برداشتی گفت این رسم کلاه‌برداری است
جبه و قباده و شال و کلاه در برش جای کت و سرداری است^۲
به رسم پوشش دوشیزگان شمرائی ز حیث جامه نه شهری بد او نه دهقانی^۳
در بیت زیر نیز، خود را در برابر تاریخ کشورش و آیندگان مسئول دانسته و بی‌تفاوتی خود نسبت به سرنوشت و وطنش را خیانت می‌داند.
طبع من مسئول تاریخ است و ساکت مانم ار هان به وجدانم مرا تاریخ مدیون می‌کند^۴

۳. توزیع فراوانی شاخصه‌های دینی - مذهبی

برای سنجش و بررسی ارزش‌های دینی از شاخصه‌های مبانی اعتقادی (توحید، نبوت، معاد)، مناسک دینی - مذهبی، اماکن دینی - مذهبی، ارزش‌ها و پیامبران و نموده‌های شیعی، بزرگان دینی - مذهبی، قرآن، آیات و روایات و... سایر ارزش‌های دینی - مذهبی استفاده شده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی شاخصه‌های دینی - مذهبی

شاخصه	فراوانی	درصد
مبانی اعتقادی	۴۳	۰/۱۹۵
مناسک دینی - مذهبی	۲۰	۰/۰۹۱
اماکن مذهبی	۶	۰/۰۲۷

۱. همان، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. همان، ص ۵۰.

۴. همان، ص ۱۰۹.

۰/۰۷۲	۱۶	ارزش‌ها و نمودهای شیعی
۰/۰۳۶	۸	پیامبران و بزرگان دینی
۰/۰۲۲	۵	سایر مؤلفه‌های دینی
۰/۴۴۶	۹۸	جمع

جدول ۳ نشان می‌دهد که در ۰/۴۴۶ از کلمات دیوان میرزاده عشقی، شاخصه‌های دینی - مذهبی حضور دارد. نمونه‌هایی از ابیاتی که نمایان‌گر این شاخصه‌ها هستند در ادامه ذکر شده است. گلدستون نخست وزیر اسبق انگلستان، در نطق تاریخی خود در پارلمان انگلستان راه پیشرفت و نفوذ بریتانیا در ایران و ممالک اسلامی را در محو قرآن مجید تشخیص داده و آن را پیشنهاد داده بود.^۱ در شعر زیر، عشقی با اشاره به این مطلب به مسلمانان نسبت به نفوذ بیگانگان در کشور هشدار می‌دهد و در واقع به شاخصه‌های دینی و اعتقادی به عنوان مولفه‌ی هویت ملی اشاره می‌کند:

آنکه گفتی محو قرآن را همی باید نمود / عنقریب این نکته را با سرنیزه مقرون می‌کند^۲
 نمونه‌های دیگر اشعار عشقی، که دربرگیرنده مفاهیم هویت‌بخش مذهبی است، در ابیات زیر، آمده است. وی برای توضیح جهل و نادانی مردم عصر خود و عوام‌فریبی سیاستمداران از مثال‌های دینی استفاده کرده است:

خلق را پیغمبری نوح باور نیست، لیک / دعوی یزدانی از گوساله باور می‌کنند^۳
 که این زمانه نا اصل و دهر بی سروپا / زمان موسی گوساله را نمود خدا^۴
 نوع بشر سلاله قایل، جابری / آموخت از «نیسا»ش بجای برادری^۵
 در بیت زیر به جنگ خیبر، از حوادث تاریخ اسلام، اشاره کرده است که با توجه به مسلمان بودن مردم ایران و اعتقادات مذهبی آنها به مولفه‌های هویت ملی در بخش تاریخی و فرهنگی اشاره دارد:

یک جنگ کرده‌اند که روسفید از آن / جنگی که کرده‌اند یهودان خیبری^۶

۱. یا مرگ یا تجدد: دفترت در شعر و ادب مشروطه، ص ۱۷.

۲. دیوان عشقی، ص ۱۰۸.

۳. همان، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۷۵.

۵. همان، ص ۱۸.

۶. همان، ص ۱۰۵.

همچنین در ابیات زیر، از امثله و آیات قرآنی و فرهنگ دینی، به عنوان بخشی از فرهنگ دینی مردم ایران استفاده کرده است که از مولفه‌های دینی هویت ملی به حساب می‌آیند:

حقیقت بارک ... چشم بد دور مبارک باد این جمهوری زور^۱
 مده گوش به این حرف‌های پا به هوا بگفتمش که لکم دینکم ولی دین^۲
 نی‌ام چون عصر «ماضی» عارف از موهوم اندیشی برای «عص حاضر» شکر... دانشی دارم^۳
 نمودهای شیعی نیز در دیوان میرزاده عشقی با فراوانی ۱۶ ملاحظه می‌شود:

دل دگر پیرامون دلدار را ول کرده است بر زوال ملک دارا نوحه خوانی می‌کند^۴
 بین دو تیغ پیکر ما افتاده است در سرزمین قصر سختی و مضطری
 هرچند کافی است پی رفع این دو تیغ تنها نظام السلطنه با تیغ حیدری^۵
 وجود نمادها و مظاهر شیعی در دیوان میرزاده عشقی نشان می‌دهد که این شاعر ضمن تاکید بر این عناصر، به عنوان بخشی از هویت ایرانی - اسلامی جامعه ایرانی، با تمسک به عناصر اصیل شیعی، آزادی خواهان مشروطه را به کمال جوئی در سایه این عناصر فرامی‌خواند.

۴. فرهنگ غرب

در بررسی میزان توجه به فرهنگ غرب در دیوان میرزاده عشقی، شاخص‌هایی مانند: ناسیونالیسم، مشروطه و رهبران آن، مجلس، انتخابات و احزاب، آزادی، سایر ارزش‌های غرب و مشروطه مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۴- فرهنگ غرب و مشروطه

شاخصه	فراوانی	درصد
ناسیونالیسم	۷۲	۰/۳۲۸
مشروطه و رهبران آن	۳۰	۰/۱۳۶
مجلس، انتخابات، احزاب و		

۱. همان، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۰۸.

۵. همان، ص ۱۰۴.

۰/۵۸۷	۱۲۹	شخصیت‌های نامدار مشروطه
۰/۴۶۹	۱۰۳	آزادی و دموکراسی
۰/۰۴۵	۱۰	طبقات اجتماعی
۰/۳۸۷	۸۵و
۱/۹۴۵	۴۲۷	جمع

به دنبال انقلاب مشروطه مفاهیم و ارزش‌های جدیدی وارد فرهنگ ایرانی گشته، موجب دگرگونی در عرصه هویتی جامعه ایران شد. میرزاده عشقی نیز به مانند سایر شعرای عصر مشروطه از این مفاهیم، در درون مایه شعر خویش استفاده کرده است. ظهور ناسیونالیسم در اروپا و به تبع آن در ایران، توجه شعرا و نویسندگان عصر مشروطه را به این مساله جلب نمود. جدول بالا نشان می‌دهد که مجلس، انتخابات، اسامی شخصیت‌های نامدار مشروطه، سپس آزادی و دموکراسی به ترتیب با فراوانی ۰/۵۸۷ و ۰/۴۶۹ جایگاه ویژه‌ای در دیوان عشقی یافته‌اند. نمونه‌هایی از اشعار عشقی برای این شاخصه‌ها در ذیل آورده شده است. مفاهیم ناسیونالیستی در شعر عشقی در موارد بسیاری دیده می‌شود، از جمله در واکنش به قرارداد استعماری ۱۹۱۹ چنین می‌سراید:

خاکم به سر، ز غصه بسر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم
 معشوق عشقی ای وطن، ای مهد عشق پاک ای آنکه ذکر عشق تو، شام و سحر کنم^۱

عشقی در ابیات زیر از کلمه وطن استفاده می‌کند که در دوره مشروطه وارد فرهنگ ایرانی شده و از مولفه‌های هویت ملی محسوب می‌شود که از فرهنگ غرب در این دوره گرفته شده است. عشقی در تشویق مردم ایران به همگرایی از اصطلاح ملت ایران که در دوره مشروطه تحت تاثیر فرهنگ غرب وارد ایران شده و از مولفه‌های هویت ملی به شمار می‌رود استفاده کرده و می‌سراید:

باد صبا رو بگو بمردم میدان ما و شما راست، نام ملت ایران^۲

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۶۴.

اصطلاح مجلس و آزادی نیز در دوره مشروطه از فرهنگ غربی گرفته شده و جزء فرهنگ ایرانی شدند و در اینجا عشقی در انتقاد از مجلس شورای ملی و اختناق موجود بیان می‌دارد:

به به از این مجلس ملی و آزادی فکر من چه بنویسم قلم در دست کس آزاد نیست^۱
واژه‌ی انقلاب نیز در دوره مشروطه وارد فرهنگ ایران شده و در اینجا نیز مانند اکثر روشنفکران آن عصر، معتقد به شکست انقلاب مشروطه است از این واژه استفاده و می‌سراید:

آزادی انقلاب اول گم شد بار دگر انقلاب می‌باید کرد^۲
چه گویمت من از این انقلاب بد بنیاد که شد وسیله‌ای بهر دسته‌ای شیاد^۳
در اشعاری دیگر، روح بیگانه ستیزی خود را نمایان و با استفاده از مفاهیم غربی «استقلال و ملت» می‌سراید:

ای عجب دندان ز استقلال ایران کنده‌اید زنده‌ای ملت سوی گور از چه بخرامنده‌اید^۴
ابیات زیر نیز نمونه‌هایی از توجه او به مشروطه و رهبران و مفاهیم جدیدی است، که در این عصر وارد فرهنگ ایران شده و از مؤلفه‌های هویت ملی به شمار می‌آیند:

شنیده شد که به تهران گروهی از ملت بخواستند عدالت سرائی از دولت^۵
مرا بد از پی مشروطه عشق فرهادی ولیک حیف که آن تلخ بودنی شیرین^۶
نوید نهضت ستارخان و باقر خان فکند سخت تزلزل به تخت و تاج و نگین^۷
ابیات زیر نیز نمونه‌های دیگر از اشعار عشقی با مفاهیم مشروطه و فرهنگ غرب است:
این مجلس چهارم بخدا ننگ بشر بود دیدی چه خبر بود؟
هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود دیدی چه خبر بود؟^۸

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. همان، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۶۷.

۶. همان، ص ۷۰.

۷. همان، ص ۶۹.

۸. همان، ص ۱۸۳.

بیت زیر نشان‌دهنده تاثیر نظریه داروین و فرهنگ غرب، در افکار میرزاده عشقی می‌باشد.
 بشر مگوی بر این نسل نامیمون بشر نه افعی با دست و پاست این دون^۱
 خود این مهد اذیت را و رسم بربریت را بقرن بیستم هرگز نبینی جز در ایرانش^۲
 پای جمهوری و دست انگلیس دزد آمد دزد آمد آی پلیس^۳

چنان‌که در جدول ملاحظه شد ۱/۹۴۵ درصد از کلمات دیوان عشقی را مفاهیم و ارزش‌های فرهنگ غرب تشکیل می‌دهد. شاعر با بهره‌گیری از شاخصه‌ها و عناصر هویت‌ساز ایرانی از منابع باستانی، دینی - مذهبی و ارزش‌های غربی، در اشعار خویش جامعه عصر خود را به همگرایی بیشتر با ایدئولوژی جدید که در قرن بیستم هویت ایرانی را در دنیای معاصر تکامل بخشید، برانگیخته است.

عشقی شاعر و روزنامه‌نگار دموکرات دوره مشروطه عمدتاً شاعر سیاسی است و اکثر شعرهای او در مواضع خاص سیاسی سروده شده است تا اجتماعی، شاعر عاشق وطن بود و عشق رمانتیکی که او به وطن داشت، علت اصلی تغییر عقایدش بود و همین مساله بالاخره به قیمت جانش تمام شد.^۴ مفهوم مجرد وطن برای عشقی اشاره به مدینه‌ی دوردستی است که از سلامت نفس و شرافت وجدان انسانی، مفهومی کلی از آزادی، رفاه، امن و امان، و این مفهوم البته به واقعیات تاریخی متکی است، یعنی به گذشته و عشق سودائی شاعر به ایران باستان، از این‌جا سرچشمه می‌گیرد، از سوئی به میراث تاریخی‌اش افتخار می‌کند و از سوی دیگر تباهی و وارثان این تاریخ - مردمی بی‌خبر از نیاکان، مردمی منفی‌باف و زورشنو - وادارش می‌کند، مادر وطن را به دشنام حواله دهد.^۵

نه چون بهار، مرد منطق و سیاست بود، نه چون عارف، اهل عمل و حضور در صحنه‌ها و نه همچون فرخی یزدی، کوشنده ایدئولوژی، اما از همه این خصلت‌ها سایه‌ای در شخصیت اوست؛ جوانی بود میهن پرست، خونگرم، و پرشور و پیوسته بی‌قرار و آرام، که

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. سید هادی حائری، (۱۳۷۳)، سده میرزاده عشقی، تهران: مرکز، صص ۶۶-۶۳.

۵. چهار شاعر آزادی، ص ۱۹۲.

در ایران، برخی از مورخین ادبیات، او را یکی از پیشوایان شایسته و مسلم در سبک نو می‌دانند.^۱

عشقی از پیشتازان جنبش روشنفکری ملی در ایران و نام او در کنار کسانی مانند بهار، کسروی، دهخدا، میرزا آقاخان کرمانی است که در جهت یاری دادن به هویت ملی بر اساس فرهنگ ملی کوشیده‌اند و فرهنگ ملی را بر اساس تاریخ ملی مورد بازبینی قرار داده و تفسیر کرده‌اند.^۲ کوشش‌هایی که پیشروان روشنفکری در ایران می‌کنند تا هویت ملی را بر اساس فرهنگ ملی در متن تاریخ جهانی تعریف کنند، در پی این هدف بود که مردم ایران به وضع خود همچون یک ملت در متن تاریخ جهان آگاهی یابند. همین بینش است که سرانجام در دوران رضاشاه پایه‌ی ایدئولوژیک قدرت دولت می‌شود و بازوهای اداری، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی آن پدید می‌آید، که جهت کارکرد آن تبدیل قوم‌های ساکن سرزمین ایران به ملت واحد مدرن است با هویت «ایرانی». عشقی در شکل‌گیری ناسیونالیسم مدرن ایرانی که در پی پایه‌گذاری دولت مدرن و قدرتمند ایرانی بوده است، پایه خود را بر آگاهی دیرینه‌ی ایرانیان به هویت قومی خود می‌گذارد؛ بدون شک سهمی درخور توجه و غیرقابل چشم‌پوشی دارد. این دیرینه، که شاعر به شدت بدان عشق می‌ورزد، یک دیرینه فرهنگی است که در اوج خود تکیه را بر تاریخ ایران پیش از اسلام می‌گذارد، که نمونه‌های بسیار زیادی از آن در دیوان میرزاده عشقی آمده است. در واقع، ناسیونالیسم عشقی و امثال او در طلب یک ایرانیت ناب از نوع ساسانی آن بود و از سوی دیگر به ماندگاری قوم ایرانی و فرهنگ آن در دوران اسلامی تکیه می‌کرد، که زبان فارسی و میراث ادبی آن البته جایی بزرگ در این میان داشت. در واقع، همواره خاطره‌ی امپراطوری سیاسی ایرانی ناب پیش از اسلام را با خاطره امپراطوری زبان فارسی پیش از اسلام ترکیب می‌کرد.^۳

در نتیجه، عناصر باستانی در ایران پس از اسلام به برجسته‌ترین و بارزترین نحوی استمرار یافتند و مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری ناسیونالیسم ایرانی و پیدایش جنبش‌های

۱. از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. ما و مدرنیته، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۸۸.

استقلال طلبانه به صورت نظامی از یک سو و به صورت فرهنگی از سوی دیگر ایفاء کردند.^۱ بدون شک می‌توان عشقی را از نمایندگان برجسته ناسیونالیسم از نوع خالص ایرانی آن دانست. سمت‌گیری ضد استبدادی نیز از درون مایه‌های اصلی اشعار میرزاده عشقی است. ناسیونالیسم در ادبیات این دوره عمدتاً در جهت مبارزات ضد استعماری شکل گرفته و وسیله‌ای بود برای برانگیختن مردم در حفظ استقلال کشور و مقابله با تجاوزات بیگانه، در نهایت پدیده‌ای بود نسبت به زمان مترقی و از نظر تاریخی پیشرو و در خدمت اهداف ملی.^۲ از این رو، بیگانه ستیزی یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های عشقی بوده که در اشعار خود بسیار بدان پرداخته است. اگر در شعر عشقی و سایر شعرای این دوره ستایش از وطن است؛ ستایش مرثیه‌وار از وطنی است که زبون دست اجانب است و از همه سو در خطر است و در واقع، بزرگ‌ترین مایه الهام همه شاعران این دوره است. وطن به عنوان یک واحد جغرافیائی مشخص و با معنای خاص سیاسی آن با وحدت تاریخی و ملی، مضمون شعر شاعران این دوره است،^۳ که مفهوم آن از مشروطه آغاز می‌شود.^۴ از این رو، عشقی و شاعران این عصر، تاریخ پر افتخار وطن را ورق می‌زنند، وحدت تاریخی آن را پاس می‌دارند و ملتی را که در عرصه آن زیسته و می‌زید بزرگ می‌دارند.^۵

عشقی نوآورترین شاعر عصر خویش نیز بود، که آگاهانه در طی عمر کوتاه خود پیوسته در جستجوی یافتن زبان تازه‌ای در شعر بوده است که توان انعکاس تجارب عاطفی و شخصی شاعر و بازتاب عصر نوین تاریخی و عصر مشروطیت ایران را داشته باشد. در همین زمینه، شفیعی کدکنی معتقد است که اگر بیشتر مطالعه می‌نمود به دلیل استعداد سنت شکنی که داشت می‌توانست خیلی از کارهای نیما را قبل از نیما انجام دهد؛ ولی افسوس که در دوره‌ای بحرانی زندگی می‌کرد و عاقبت عمرش هم وفا نکرد.

۱. ایران (هویت، ملیت، قومیت)، ص ۲۴۵.

۲. یا مرگ یا تجدد: دفتر در شعر و ادب مشروطه، ص ۱۷۲.

۳. همان، ص ۱۷۴.

۴. ادوار شعر فارسی، ص ۳۸.

۵. یا مرگ یا تجدد: دفتر در شعر و ادب مشروطه، ص ۱۷۴.

نتیجه

وقوع جنبش مشروطه‌خواهی در ابتدای قرن بیستم میلادی، سبب تحولاتی در عرصه هویتی ایران شد، بدین معنا که به مؤلفه‌های هویتی ایران، که می‌توان گفت تا این زمان تنها عناصر ملی و میهنی داخلی را شامل می‌شد، عناصر جدید خارجی افزوده شد که نقش ادبا و شعراء عصر مشروطه در انتقال و تعمیق بخشیدن به این عنصر جدید همراه با عناصر سابق، جایگاه ویژه‌ای داشته است. میرزاده عشقی نیز به عنوان یکی از شعرای با قریحه و ملی‌گرای این عصر، با به کارگیری این عناصر در سطحی وسیع در اشعار خود، نقش مهمی در تحکیم و تعمیق بخشیدن به مؤلفه‌های هویت ملی و ایجاد همگرایی ملی در میان مردم جامعه عصر خویش ایفاء نمود. جدول شماره ۵ درصد سه منبع الهام بخش هویت ایرانی را در دیوان میرزاده عشقی نشان می‌دهد.

جدول ۴- توزیع فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی

درصد	فراوانی	مؤلفه‌های هویت ملی
۰/۶۶۹	۱۴۷	فرهنگ و ارزش‌های ملی باستانی
۱/۶۰۳	۳۵۲	فرهنگ و ارزش‌های ملی بعد از اسلام
۰/۴۴۶	۹۸	ارزش‌های دینی و مذهبی
۱/۹۴۵	۴۲۷	ارزش‌های فرهنگ غرب و مشروطه
۲/۴۹۰	۱۰۲۴	جمع

چنان‌که یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، در ۲/۴۹۰ درصد از کلمات دیوان میرزاده عشقی، شاخصه‌ها و عناصر هویت ملی حضور دارند. در صورتی که فراوانی ۱۰۲۴ واژه نسبت به ۱۸۲۹ بیت سنجیده شود، حضور مؤلفه‌های ملی بیشتر خودنمائی می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته که نزدیک به ۱۰۰۰ واژه از این کلمات در هزار بیت جداگانه شمارش شده، در نیمی از ابیات دیوان میرزاده عشقی مفاهیم و مصادیق هویت‌ساز انعکاس یافته است. فراوانی و درصدهای به دست آمده مبین این نکته است که عناصر هویت بخش ایرانی برخاسته از منابع باستانی و ملی، در مقایسه با عناصر جدیدی که هویت ملی ایرانیان را تحت تاثیر قرار داد، جایگاه خویش را در هویت معاصر ایرانیان نیز حفظ کرده است. از آنجا که میرزاده عشقی این شاخصه‌ها و مفاهیم هویت‌ساز را در اشعار خویش به فراوانی به کار گرفته است، نقش مهمی در همگرایی ملی و قوام بخشی به هویت ملی ایرانیان در تاریخ معاصر ایفاء نموده است.

فهرست منابع و مآخذ

- آجودانی، ماشالله، (۱۳۸۵)، *یا مرگ یا تجدد: دفتری در شعر و ادب مشروطه*، تهران: اختران.
- آرزین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، *از صبا تا نیما*، تهران، ج ۲، تهران: زوار.
- آشوری، داریوش، (۱۳۸۷)، *ما و مدرنیت*، تهران: صراط.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، *ایران (هویت، ملیت، قومیت)*، تهران: موسسه تحقیقات عوم انسانی.
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)*، ترجمه منصور انصاری، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- جعفری، مسعود، (۱۳۸۶)، *سیر رمانتیسیم در ایران*، تهران: مرکز.
- حائری، سیدهادی، (۱۳۷۳)، *سده میرزاده عشقی*، تهران: مرکز.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، (۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: علم.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۶)، «ایران در کشاکش ایام حکایت همچنان باقی ست»، سخن، ش ۱، صص ۳۸۶-۳۹۹.
- سپانلو، محمدعلی، (۱۳۶۹)، *چهار شاعر آزادی*، تهران: نگاه.
- ستاری، جلال، (۱۳۸۰)، *مشکله هویت ایرانیان امروز: انقباض نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران: نی.
- سلیمی، علی اکبر، (۱۳۱۴)، *دیوان عشقی و شرح حال او*، تهران: شرکت مطبوعه فرومند و اقبال علمی.
- شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۹)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: قومس.
- شیخاوندی، داور، (۱۳۷۹)، *تکوین و تنفید هویت ملی*، ج ۱، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۱، تهران: فردوس.
- طباطبائی، جواد، (۱۳۸۴)، *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران*، تهران: رمز.
- فوران، جان، (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتم، ریچارد، (۱۳۷۸)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: نی.
- کجویان، حسین، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نی.
- گودرزی، حسین، (۱۳۸۴)، *گفتارهایی درباره جامعه شناسی هویت در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- مارزولف، تولریش، (۱۳۸۰)، *شاهنامه و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- مسکوب، شاهرخ، (۱۳۷۳)، *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: باغ آئینه.
- ممتحن، حسینعلی، (۱۳۷۰)، *نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- میرمحمدی، داوود، (۱۳۸۳)، *هویت ملی در ایران*، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- میلر، دیوید، (۱۳۸۳)، *ملیت*، ترجمه داوود عزایاق زند، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- هولستیف ال. آر. (۱۳۸۰)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- یوسفی، علی، (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۸، صص ۱۷.